



کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Hannover



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

صفحه ۲۸

دوره ۳۰۰ پین شماره ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲

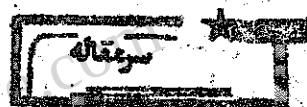
حرکت دورانی در خطوط خارجی بمشابه
یک تاکتیک صلیب در مرحله گونی جنگ

انقلاب دمکراتیک بوده ای ایران و مساله
ماشین دولتی

در این شماره

- ۱۲ اردیبهشت روز معلم گرامی باد
- سالروز شهادت فرزندان دلاور خلق
- خسرو روزبه را گرامی میداریم
- به یادی کاکسما یلی شه رفیق زاده
- طبعی به کی نه یاز

از حرکت قاطعانه اتحاد به جهنمی کردستان
عراق طلبه نیروهای توطئه گران پشیمانی کنیم



ناقوس مرگ قطعی حزب
توده بصدا درآمده است

طی چند روز گذشته رهبران خود
فروخته حزب ضد انقلابی بوده یکی
پس از دیگری در تلویزیون رژیم
ارتجاعی جمهوری اسلامی ظاهر
شدند و در یک نمایشنامه سر تا پا
تفرق انگیز آخرین نقش خائنه خود
را در رژیم خمینی ایفا نمودند.
بازگران این صحنه همان کسانی
بودند که طی حیات تلخ حزب
توده جز پشت پا زدن به آرمان
میداد

پیروز باد مبارزات خلق قهرمان کرد راه آزادی و خودمختاری

سرمقاله

انقلابی مردم
و خیانت به طبقه کارگر ایران دستاورد
دیگری نداشته اند. اینرا توده های
زحمتکش ایران و بیش از همه طبقه
کارگر در تجربه عملی خود خوب آموخته
بودند و میدانستند که از حزب توده
جز خیانت و نفاق کاری ساخته نیست
آنها به خوبی آگاه بودند که توده ماها
همیشه در بحرانی ترین و خطرناکترین
و سرخشت سازترین لحظات تاریخی
جامعه ضریات غیر قابل جبرانی همه
انقلاب توده ها وارد ساخته و خواهند
ساخت. آنها بدروستی آموخته بودند
که هیچگاه به توده های ما نباید اعتماد
کرد. از همین روست که خیانت های
اخیر حزب توده و اعترافات مذمت انگیز
آنها در تلویزیون رژیم برای مردم
تعجب آور نبود. توده مردم به محض
اولین یورش رژیم به بساط توده های
و جمع داری رهبران و اعضای اصلی حزب
یکصد و هم نظر همان چیزی را پیش
بینی میکردند که این فرومایگان بسا
ندامت فضاحت بارشان در تلویزیون
رژیم به نمایش گذاشتند. همه

میدانستند کسانی که مدتها از خون
آشام ترین رژیم در عرصه جهانی دفاع
کرد مانند و در هنگام بازداشتشان چه
فضاحتی پیاز خواهند آورد. مگر حزب
توده بر همه جنایت های رژیم صحه
نگذاشته بود؟ مگر همزمان با رژیم از
خلع سلاح مردم و انحلال شوراهای
دفاع نکرد؟ مگر مهر تایید بر سرکوب
خلفای زحمتکش کردستان و ترکمن
صحرا و خوزستان و چاهای دیگر نزد
مگر توده ماها نبودند که همه جا کارگران
را به تبعیت از سیاست های ضد انقلابی
و ضد کارگری رژیم تشویق نمودند؟ مگر
توده ماها در شناسایی و محو نیرو
های انقلابی با رژیم ارتجاعی حاکم
همکاری نکردند؟ پس چه چیزی جز آنست
که در تلویزیون عرصه داشتند خوانند
ارائه دهند. البته از مدتها پیش
روشن بود که رژیم جمهوری اسلامی
آند را رنجایی است که حتی پیاده
توکران حلقه بکوش خود به جهت آن ضد
انقلابی خود نیز رحم نخواهد کرد.
سازمان ما دو سال پیش در ۱۳ خرداد
۱۳۶۰ در نشریه کارستند مربوط به
سرکوب تمامی سازمانهای سیاسی را افشا

سرمقاله

بود و نشان داد که گرچه هدف رژیم
فصل از هر چیز سرکوب سازمانهای
انقلابی ایران است اما در مرحله سوم
طرح خود نویسد بد حزب خود مو اکثریت
های شاهین خواهند رسید و اکنون
پس از ده و سال صحت این پیش بینی
بطور کامل اثبات شده است رژیم
جمهوری اسلامی بساط خود را بیا
بر چید - اما آنها تاریخچه زندگانی
خیانت بارشان را با خیانتهای تازه
تکویل کرده اند و با برنامه تلویزیونی شان
آخرین خدمات را به یورش از یاسران
و امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم
امریکا انجام دادند -
آری نمایش تلویزیونی سران خود ما
صدائی بود فراتر از همه خیانتها
تودهای ثابت کردند از سیاهی بالاتر
رنگ دیگری هم هست رنگ ردالمست
رنگ پستی رنگ دناکت با پستی به
این صداقت کنیم بخصوص در
شرایط امروزین جامعه در شرایطی
که طبقه کارگر با شروع اعتصاب پیوسته

تعرض جدیدی را علیه نظام سرمایه -
با ری ایران سازمان میدهد - در
شرایطی که کردستان انقلابی با تمام
نیرو در برابر رژیم ایستاده است - در
شرایطی که جنبش انقلابی لحدیات -
خطیر و سرکوب سازی را رقم میزند -
در شرایطی که رژیم ددمنش خویش به
بن بست نظامی رسیده و توان مبارز
بحران انقلابی کوئی را کاملاً از دست
داده است در چنین شرایطی باید
فهیبد صدای امروز تودهای قحط
آرای مردم نادم گنه پرستی که به -
پشتیبانی از مستکبرترین و سفاک ترین
رژیم کریمیتند - نهیست - امروز هم
تودهای و هم رژیم منفور خصمی آخرین
تیر ترکش خود را به هدف مشترک
نشانه رختاند : تضعیف اراده -
هرولتاریای انقلابی و بی اعتبار ساختن
کمونیسم - حزب توده که تا کنون با
سیاستهای خائنانه خویش بیشترین
خدمات را به جنبش کمونیستی ایران
وارد آورده است امروز نیز به آلت
دست رژیم در آمده و آشکارا و با

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

نقد مقاله

و قاحت تمام تلاش در پی جهت کردن
سوسیالیسم انقلابی و کمونیسم جهانی
دارد. بیهوده نیست که خبرگزارها
مطبوعات و رادیوهای اپریالیستی پا
پای رژیم خبیثی با بوق و کرنا اعتراضات
زهر آگین و آشکارا ضد کمونیستی
تودمایها را ملعبه دست خود میسازند
آنها بیکرشته برای معتبر نشان دادن
تبلیغات ضد کمونیستی حزب توده به
مردم یک بیابان جان دهند و از حزب
توده یک جریان کمونیستی و قسوی
اجتماعی بسازند. بدین منظور خیانت
و ندامت فضاقت انگیز امروز تودمهای ما
را با خیانت و ندامت این حزب در
سالهای اولیه دهه ۳۰ مقایسه کنند
همه تلاشها اینست که با اعتبار بخشیدن
به حزب توده و تشیدن دشمنهای ضد
کمونیستی از دهان یک سازمان با اصطلاح
ذبی نفوذ چهره معتبر کمونیسم را در نزد
مردم بی اعتبار نشان دهند. غافل از
اینکه این حفا دیگر رنگی ندارد
امروز نه فقط در سطح جامعه ایران
بلکه در سطوح جهانی نیز چنین
تبلیغات مذبحانه‌ای کار ساز نخواهد

بود. اگر هنوز برای دار و دسته‌های
اکثریتی و تودمایهای نیمه نفسپایه
ضد کمونیستی شخص خبیثی و پشتیبانی
۱۴۴ نفر از مجلسیان با اصطلاح خط
امامی که دستگیری رهبران تودم‌های را
با تسخیر سفارت آمریکا مقایسه نمودند
درس عبرتی نباشد اما هم برای طبقه
کارگر ایران که جدا و بی توجه به همه
قیل و قال‌های حزب توده حرکت ظفر-
نمون و مستقل خود را آغاز نموده است
و هم برای پرولتاریای جهانی نیز بسی
بی اعتباری سخن و دیدگاه‌های
ارتجاعی حزب توده و امثال آن کاملاً
افشا گردیده است.

اما خیانت امروز حزب توده و وجه
تسایز آن با خبانت‌های این حزب در
دوره قبل بر خلاف آنچه که اپریالیستها
و دار و دسته‌شان بنا بر تمایل و منافع
ارتجاعی خویش بد آن اصرار می‌ورزند از
یک جنبه دیگر نیز قابل توجه است.
حزب توده در سالهای ۲۶ تا ۳۲ به
عنوان یک جریان اجتماعی و تنها سازمان
سیاسی پر نفوذ در میان طبقه کارگر
و اقشار وسیع توده‌های زحمتکش و خرده
بورژوازی برآمده از موقعیت ویژه‌ای بر -

سرمقاله

خورد او بود . همین موقعیت خیانت
رهبران حزب توده را در دو زمینه سه
مطرح می‌سازد . یکی در خیانت به
جنبش انقلابی توده‌ها و منحرف ساختن
و به شکست کشاندن مبارزه طبقه کارگر
که تا بهر مستقیم خود را بر جنبش انقلابی
توده‌ها بر جای نهاد و بستر مناسبی
شد برای سرکوب جنبش کارگری و دست
یابی به منابع سالهای طولانی دیکتاتور
فاشیستی که در شرایط اوج جنبش
انقلابی توده‌های رزمند را به پاسیفیسیم
بی‌میلی و دست بستن از مبارزه سوق
میداد . حزب توده در این دوران نه
فقط جنبش مستقل پرولتاریا را بر انحلال
در سازمانهای بورژوازی ترقیب میکرد
بلکه سازش آشکار خلقهای تحت ستم با
رژیم سفاک پهلوی پلنگا و عملاً پانشاری
میشود . این رهنمودهای سازشکارانه
اگر چه در بخشهایی از تشکیلات کارگری
و در جنبش انقلابی کارگری موثر نیافتاد
اما بسبب نفوذ وسیع و سراسری حزب و
ضمیمین نقد آن به سازمان انقلابی

پرولتاریایی توده‌ها را از نقش واقعی شان
بازداشت و جنبش ضد امپریالیستی
و مکرانیک ایران را به شکست کشید .
خیانت و مکر توده‌ها به خیانت رهبران به
تشکیلات حزب بودلی سالهای ۲۲ تا
۲۷ (یعنی بلافاصله پس از شکست
سالهای ۲۲) بود که به دستگیریهایی
وسیع از نیروهای حزبی انجامید و همراه
با تداومهای گسترده «بزدلی ترس و
چین رهبران توده‌ای را در مقابل
پلیس شاه به نمایش گذاشت . موج نداشت
و خیانت آشکار تنها محدود به عناصر
متزلزل و مردود نبود . تئوری رولینوئستی
آخرین ظلمتهای خود را به ظهور
میرساند . نداشت بعنوان یک دستور
سازمانی و به منظور خلاصی از زندان و
بقای انفعالی از جانب رهبران حزب به
همه تشکیلات دیکته شده بود . جز
معدودی از رهبران انقلابی سازمان
نظامی از جمله رفیق شهید خسرو
روزبه که از مدت‌ها قبل صف خود را از
صف رادیکال رهایی‌بخش جدا کرده بود
جدا کرده بود . بقیه باین رهنمود
خائنانه رهبری گردن نهاده و پایین

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

سرمقاله

ترکیب برج وسیعی از بی اعتمادی و رنگاری و بی پرستی را در ده روز جنبش کونیستی ایران دامن زدند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از آغازین حرکت خود بی باستی با شهادت تعدد فداائی تاوان این خیانت حزب توده را بپردازد که بهای بسیار سنگینی برای جنبش کونیستی و طبقه کارگر ایران بود. این خیانتها به تراژدی حزب توده پایان بخشید، اما این هنوز مرگ قطعی آن بحساب نیاید. حزب توده از این پس و برلی همیشه بعنوان یک جریان سیاسی با نفوذ از حوزه فعالیت سیاسی اجتماعی به بیرون پرتاب شد. حزب توده بعنوان یک تشکیلات سیاسی تودهای برای همیشه برده بود و دیگر در هیچ شرایطی نمیتوانست و نتواند در بود نقش حتی کم اهمیتی نیز در توان توان سیاسی جامعه ایفا نماید. اما وضعیت جنبش طبقه کارگر و بیست مبارزه طبقاتی در ایران هنوز بدانپایه نرسیده بود که بتواند با خط مشی روزیونیستی و سازشکارانه حزب توده تعیین تکلیف قطعی بنماید. بخصوص

که این خط و مشی از جانب اکثریت احزاب کونیست کشورهای سوسیالیستی نیز کاملاً حمایت گردیده و مورد پشتیبانی قرار میگرفت. امروز اگر چه اکثریت احزاب کونیست جهانی همچنان پشتیبانی خود را از خط و مشی روزیونیستی حزب توده ادامه میدهند، اما قدرت و وسعت مبارزه طبقاتی در ایران ورشد دامنه انقلاب و ارتقا آگاهی طبقه کارگر آفرین خاله های تئوریک و گرایشات منحنو انحرافی حزب توده وابدور ریخته و جانی برای نفوذ مجدد این گرایش در جنبش کونیستی ایران باقی نگذاشته است. در ایران فرومایه تودهای با خیانتها و دامنهای رفیولانه امروز خود و ایستاد متفرعانی از سوسیالیسم انقلابی پیشاپیش ناقوس این مرگ قطعی را بعداً درآوردند و محور سبوع و نهایی خود را اعلام نمودند. روزیونیسم جلوه گاه واقعی خود را در تمامی سطوح پیکار یافته و در کوران مبارزه طبقاتی زویشد امروز نه فقط بر کارگران آگاه کشور مساک بلکه بر همه مردم زحمتکش مبنی ما روشن است که این اظهارات خفت انگیز فقط از دشمنان مردم، فقط از دشمنان قدرت



گزارشی از مراسم روز کارگر

روز ۱۱ اردیبهشت ماه سال جاری به مناسبت روز جهانی کارگران مراسم با شکوهی در یکی از روستاهای آزاد شده برگزار گردید. مراسم ابتدا با حضور انجمناسیونال بزبان کردی توسط رفقای پیشمرگه آغاز و سپس پیام شاخه کردستان سازمان قرائت گردید. در خلال برنامه سرود های دسته جمعی و اشعاری به مناسبت روز کارگر توسط رفقای پیشمرگ خوانده شد. در این مراسم پیشمرگکان حزب دمکرات و نیز روستائیان زحمتکش شرکت داشتند. مراسم پس از ۱/۵ ساعت با صدای گلوله های رفقای پیشمرگ به هین مناسبت شلیک شد. خاتمه یافت.

سر مقاله

بقیه در صفحه ۲۷

موسسین و دشمنان کمونیسم و دشمنان انقلاب میتوانند ناشی باشند. بگذارید دشمنان انقلاب همه خائنین همه متزلزلین همه فئودالیها و اکثریتی ها و همه کسانی که خود را تسلیم وحشت از بورژوازی نمودند سر خود را از خجالت فرو افکنند. عاجزانه و خفت بار خود علیه خود و علیه خیانت های تاریخی خویش کفرخواست صادر کنند. پیروانهای انقلابی، کارگران آگاه و خلقهای قهرمان ایران بدون هراس بدون تزلزل و بدون اعتنا باین سفسطه چوئی ها همچون تنی واحد پیشرویتانند و ارکان ستم بورژوازی را با همه تعلقات و همه دستیاران و خلق گویانش به گور میپارند. در این میان هواداران حزب توده و اکثریتی های خائنی باید از مشی خائنه حزب توده و رهبری آن درس عبرتی بگیرند. تجربه همه آنها نشان داد که حزب توده و اکثریت مال خرابکار بورژوازی در جنبش طبقه کارگر محسوب میشوند و رسالتی جز خرابکاری در جنبش

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای متوقی و انقلابی

جنگ ادا به سیاست به نیروهای دیگر
است. نهایت رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی سیاستی ارتجاعی
است که در خدمت طبقات استثمارگر
قرار دارد این سیاست به نیروهای
گوناگون اعمال میشود، زمانی از طریق
فريب و تحمیل توده ها و زمانی بانوسل
به قهر و زور. اکنون مدتهاست که
رژیم جمهوری اسلامی اساسا به قهر
و سرکوب علیه توده های سراسر ایران
برخاسته است و میکوشد با استفاده از
ابزارهای سرکوب نظیر ارتش، سپاه
پایس، سازماندهی، پلیس و غیره و
حرکت توده های متحدیده را سرکوب
کند و اعتراضات را فرو نشاند و
سیاست ارتجاعی خود را ادامه دهد.
جنگی که رژیم ضد خلقی و جنایت
کار جمهوری اسلامی طی چهار سال
به توده های زمینکش کرد تحمیل
کرده است ادامه همان سیاست
ارتجاعی افن در شکل دیگر است همین
جنگ از سوی رژیم جمهوری اسلامی
جنگی ارتجاعی و غیر عادلانه است
چرا که در خدمت طبقات استثمارگر و
استثمارگر قرار دارد اما از سوی خلق
کرد جنگی انقلابی بر حق و عادلانه

فرستاده در راه در خط طایفه میانی
ناگنیک سبوح در سرخه کونی جنگ

است چرا که در دفاع از حقوق حق
این خلق تحت بشم صورت می گیرند
بنابراین از آنجائیکه این جنگ
از سوی خلق کرد جنگی انقلابی و
عادلانه و از سوی رژیم جنگی ارتجاعی
و غیر عادلانه است تدریدی نیست که
پیروزی سرانجام نصیب خلق کرد
خواهد شد. همانگونه که طی چهار
سال با سرافرازی باین توده ادامه
دارد است در آینده نیز تاسوگونی
رژیم جمهوری اسلامی و استثمار
جمهوری دیکواتیک خلق آزا ادامه
خواهد داد. اما این به تنهایی
کافی نیست برای پیروزی در جنگ
علیه دشمنی که سر تا پا مسلح در
برابر ما قرار گرفته است از مدترین و
مفرترین سلاحها استفاده میکنند
امکانات مادی و طبیعی در اختیار
دارد و دارای استراتژی و تاکتیکهای
لغای معینی است باید قوانین

حرکت و دورانی

حاکم بر این جنگ را شناخت و مراحل مختلف جنگ را به رستی باز شناخت استراتژی و تاکتیکهای صحیح نظامی داشت تا بتوان شکست قطعی را بر رژیم وارد آورد. نخستین مسئلهای که در ارتباط با مسئله جنگ در کردستان باید در نظر گرفت رابطه میان مردم و در این جنگها مبارزه و جنبش سراسری تودههای زحمتکش مردم ایران است. پیروزی در جنگ جز با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی همراه نیست و اسیر سرنگونی رژیم غیر با یک جنبش سراسری و تمام مسلمانان پیوسته است. برای این است که بتوان مراحل مختلفی که جنگ کردستان طی کرده است و ارتباط با وضعیت جنبش سراسری توضیح داد. پیش از سرنگونی رژیم شاه هنگامی که تودههای مردم سراسر ایران هنوز فعالانه در محروم سیاسی حضور داشتند و ارگانهای سرکوب نظامی رژیم بویژه ارتش از هم گسیخته بود. رژیم جمهوری اسلامی تلاش پیوسته را آغاز نمود تا با توسل به نیروهای نظامی خود و دامن زدن به یک جنگ

در کردستان خلق کرد را سرکوب کند. اما دز آن هنگام نه وضعیت سیاسی و نه وضعیت نظامی رژیم چنین امکانی را بوی میداد که به اهداف پلید خود دست یابد. این دوران در جنگ چهار ساله کردستان و دوران تعرض استراتژیک از سوی پیشروگان و دوران دفاع استراتژیک نیروهای رژیم بود. بعد از آن دورانی نیز آمد که جنگ در یک حالت تعادل نسبی بود. نه رژیم و نه پیشروگان در کردستان قادر به یک تعرض جدید بودند. یک حالت تقریباً ثبات بر وضع جنگ حاکم بود. مرحله سوم که بویژه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ سرکوب جنبش سراسری و تثبیت نسبی رژیم پدید آمد. و اما اکنون در این مرحله بسر پیونده مرحله تعرض استراتژیک دشمن و دفاع استراتژیک از سوی نیروهای پیشرو است. بنا به وضعیت سیاسی و نظامی موجود یعنی هنگامیکه یک جنبش انقلابی آشکار سراسری علیه رژیم در دیگر مناطق ایران شکل نگرفته است و دشمن با نیروی وسیع امکانات و تجهیزات متعدد به کردستان پورش آورده است در حالیکه نیروهای پیشرو که نه از حیث تعادل و نه از جهت

ناکتیکهای نظامی و مرحله کنونی و سپس
تبرکز نیرو و حمله غافلگیرانه علیه ساسات
مخفیانه و برق آسا و پایان بخشید ز به
نیروی نه بتوان نیروی خود را حفظ کرد
و نه نیروی دشمن را در مجموع آن خسته
و فرسوده کرد و یا در عملیات مفقود آنها
را نابود ساخت .

از اینرو روشن میگردد که هر چند
مرحله کنونی جنگ دفاع استراتژیک
محسوب میشود و حفظ نیروهای خود
مسئله اساسی است اما تنها با تعرض
ناکتیکی میتوان نیروی خود را حفظ
کرد و شرایط را برای گذار به تعرض
استراتژیک فراهم کرد . اما آنچه که
در این نوشته بویژه مورد نظر است و ما
طی یکی دو ماه گذشته شاهد آن —
بوده ایم و میتوان در رس مینوی در مرحله
کنونی جنگ باشد . بی اعتباری ناکتیک
دفاع نقطه به نقطه در سوزشهای خود
و در رستی حرکت دورانی در پشت جبهه
دشمن است . دفاع استراتژیک هرگز به
برخورد شفعل در جنگ نیست . دفاع
استراتژیک به این معنا نیست که هر

حرکت دورانی
جبهه زات و تسلیحات یا رای مقاومت در
یک جنگ جبهه ای و شکست و عقب
راندن دشمن را ندارند . طبیعتی است
که نیروی پیشمرگه در حال دفاع
استراتژیک است ، طی این مرحله
آنچه مهم است حفظ نیروی نظامی خود
و تدارک طرفه جانیه برای تعرض —
تقابل است . اما این امر چگونه
میسر است ؟ از طریق ناکتیک تعرضی
با توجه باینکه در مرحله کنونی شکل
عمده جنگ باریزانی خواهد بود . تنها
از طریق یک سلسله عملیات پیشسار و
تعرضهای ناکتیکی است که میتوان جنگ
را تا افتلاء بچردر جنبش سراسری
طولانی کرد . به دشمن ضربات مداوم
وارد آورد نیروی آنها خسته و فرسوده
نمود و برای فرایطی که یک جنبش
اعتراضی آشکار در سراسر ایران علیه
 رژیم پا خواهد گرفت تدارک لازم را دید
تا بتوان تعرض استراتژیک را جایگزین
دفاع استراتژیک نمود . بدون تعرض
ناکتیکی در چارچوب اصول حاکم بر

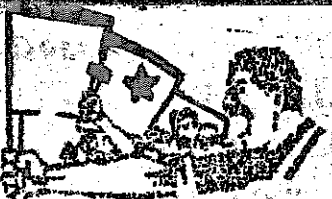
سره و نه خردی بزوتنه و هی شور شگیرانه ای که ای کورده

صحنه دورانی

مناطق آزاد شده و پایگاهی منتظر ماند و زمانی که نیروهای رژیم حمله کرده عقب نشست. این شهر نه تنها ابتکار عمل را بدست می‌دهد بلکه تاثیر نامطلوبی نیز بر روحیه تود مردم و پیشمرگان باقی خواهد گذاشت. تاکتیک صحیح حرکت دورانی در پشت جبهه دشمن یا به عبارت دیگر در خطوط خارجی است. این تاکتیک صحت خود را طی تجربه چند ساله گذشته نیز با ثبات رسانده است. در حالی که رژیم تعرض گسترده نظامی خود را آغاز کرده است و نیروی خود را پیش از پیش در عقب کردن استان پراکنده است و حتی برای اجرای تصرف نظامی خود مجبور شده است بخش وسیعی از نیروی خود را از پشت جبهه به خط مقدم جبهه بکشد. وارد آوردن ضربات بی دریغی در پشت جبهه دشمن ضرره به واحد های متحرک آن و حتی حمله به نیروهای دشمن در شهرهای کردنستان یک تاکتیک صحیح محسوب میشود. حملات اخیر پیشمرگان به شهرهای کردنستان نه تنها از جهت

نظام ضربات جدی به نیروهای رژیم وارد آورده است و ابتکار عمل را از دست دشمن گرفته است بلکه از آن مهمتر از جهت بسیج سیاسی و تأثیر مثبت بر روحیه مردم کردنستان دارای اهمیت زیادی بوده است. چرا که نه تنها مردم شهرها پهنه پوشالی بودن رژیم و ادعاهای فتوحات نظامی آن را می بینند بلکه مردم روستاها نیز در می یابند که اگر پیشمرگان در مقابل تسلیم تعرض گسترده و متمرکز رژیم به مناطق دیگر عقب نمی می کشند اما مبارزه و تعرض خود را در شکل دیگر حتی تا شهرها نیز ادامه میدهند و این امر از حیث بسیج سیاسی نیرو و تقویت روحیه و رزمندگی توده ها دارای اهمیت زیاد است از اینرو تجاربات اخیر نظامی در کردنستان بی اعتباری تاکتیک دفاع نقطه به نقطه در خطوط داخلی و صحت تاکتیک حرکت دورانی و انجام عملیات تعرض تاکتیکی در پشت جبهه دشمن را با ثبات میرساند.

**کارگران و زحمتکشان
متحد شوید**



شیرازی

یادگی نه یار

له خه و زاپه رن کی کسریکساره
مه چنه کارنه هرویه کی شسه یساره
خه به ریتربن بو تونک و د در
کۆو بن خه ل که ن تالایکی سدر
تا سنگری یی کوتکی له سه ر فسان
ره نجبه ری خوری واسی کی له هپان
له د موری تالای سیدی جیسسز ن
به تاهنگی به رز تیکرا بیسسز ن
شی سه ر بایه دار یس هاره زور
سی لکش بدل رمش هزنگزلی خه ن خور
ته نعل ته وه زل ترسنوکی شیرازی
بان بانکی شوستوی سه ر کوماکی زهون
تا کی تا که نگی ده کوژی ده بری
شسه سو پاره ت ده غروشی ده کری ؟
چون من شه و ریز تارک بره شسز
قه ت نامی چه وره شیرینی نهچشم ؟
چون که نم چن بم شک ته بم تانی
چه پنهان شه به ی به راس ته زانی
ده سکاری من بیت کوشک و سه رسرا
که چی جی خه وی له خرمین قات ؟
خه زری به رتان من زهستم چه شسم
شه ورم پوخته کرد شه ورم خرم هیچ نیسم

تاکی د ارناشیم بی ده رک و کوریم
جولا و جوتیریم بی ده رک و بوسق ؟
تا کی فرمسی ژن و مند السسم
تارکی رشتوی ره بجی چند سالسم
د ده می به تارک خوت سهر خوتنه کی ؟
من نه خوس د مکی خوتنه بی هوشنه کی ؟
.....

تهی زالم د نیا به پیچ و ده وره
بله زره و بهیه شه م سوینده که وره
سویندم بهیه که م جوتنه کی شه یار
سویندم به هیزی چینی کرینکار
سویندم به چرچ و لوچی ناو چاوم
به ده منی قه لشارم تلاق سوارم
سویندم به و با سکی کوتک شه شهین
سویندم به و پشته کی کول شه رفیش
به گامن به راس به شانی به قور
به هسته کی کون به چوقله کی شسر
سویندم به رمشی زردی یی نانان
سویندم به لوستی شهوله کولانان
به هوشمکی شوکتوری مه زن
پاله وانانی شه رگیزنا به زن

این کردستان است

این کردستان است
کردستان ایران است

که چنین در خون می‌رخد
این آتشها که امروز در رخ فرو خفتند
این آتشهای تکه تکه شده خون
این آتشهای خانه و پوهانی و قلب
این آتشها که از پند بند کردستان زیاده
می‌کشند

حاکمها را می‌سوزانند
تاجها را می‌سوزانند

امپریالیسم و محال را می‌سوزانند
این آتشها که در پهن ماد را می‌سوزانند
می‌کشند

در پشت کینه فرزندان فریاد می‌کشند
در پشت خمیده پدران فریاد می‌کشند
و در چشم انداز فرزندان زحمت و پیرد

خورشید آزادی می‌شوند

خورشید نان و کار و لبخند

و بر پرچم سید ا صلح می‌تابند

هرچس که در دست خونین مقاومت

در آسمان کردستان می‌گردد و در آمد و است

فدا می‌شود

سید سلطان

یه کی نه یار

به شور شگوان کوریا و به چین
به زیر و زبانی لاوانی و چین
هیچ سات و کاتی در سبیل ناگین
یاسه رنه که چین یا پوی ده چین
بزم نه کین له سه رگوری زور داران
د نوا نه کین به جیژنی مه زاران
لا فادی میژو به گور و ناوه
پیمی و به و پو شی نه خاته لاوه





بگذار غاصبین جنایتکار و ضد بشر فلسطین رزجو را اشغال
کنند • زنان و مردان و کودکان را صلاخی و و خون آنان
را در پهنه میهنشان روان سازند • بگذار رژیم خمینی مرتجع
روستا به روستا خرد و زن و کودک کوردستانی را از چهاره
باران بی نصیب نگذارد • و خیال نابودی جنبش انقلابی خلق
کرد را در سر پیروزاند • تاریخ گواهی میکند که هیچ قدرتی
قادر نیست در اراده خلقی بها خواسته خللی ایجاد کند •
از سوی تاریخ امپریالیزم و همه مرتجعان جهان محکوم به
فنا هستند •

فلسطین نضاد • کردستان زند و رزمند باقیست
خلقهای ایران با خلق فلسطین تا نابودی امپریالیزم و رجعت
در رزم سرخشان همیشه و همگامند •

۴۱ اردیبهشت

روز همبستگی

با خلق فلسطین را با تداوم مبارزه علیه امپریالیزم جهانی
و پایگاه داخلی تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
و برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق گرامی بداریم

۱۲ اردیبهشت

روز معلم گرامی باد

۱۲ اردیبهشت سالروز عظمای و بزرگان
ابوالحسن خاتعلی معلم مبارزو متعهد
و روز معلم است . در سال ۱۳۴۰ در
چنین روزی معلمان تهران دست به
اعتصاب زدند و در خیابانها پیکتت
تظاهرات برداشتند . در اثر پیورش
و خدایه پلیس به این تظاهرات عده های
زخمی و یکی از معلمان مبارز بنام
ابوالحسن خاتعلی به شهادت رسید
پس از شهادت خاتعلی بر زمینهای
جنبش اعتراض وسیعی که در فاصله
سالهای ۴۲ تا ۱۳۳۹ در ایران برپا
بود تظاهرات گسترده ای از جانب
مردم بخصوص معلمان و دانش آموزان
و دانشجوین به خاطر اعتراض به این
کشتار انجام گردید . مطالبات نظام
گندگان که ابتدا جنبه اقتصادی داشت
بسرعت جنبه سیاسی پیدا کرد و از
خواست اضافه حقوق به استفسارهای
دولت شریف امامی ارتقا یافت .

با اعتصاب یکپارچه معلمان و
مطلبی مداری و حرکات اعتراضی
دانشجویان بهران خیابانها
عدت یافتند . کابینه شریف امامی متروک
کرد و امینی به نخست وزیری رسید .
رژیم پهلوی که با اوج گیری مبارزات
به وحشت افتاده بود برای جلوگیری از
گسترش مبارزات معلمان وانمود کرد که
آنها تنها برای حقوق صنفی مبارزه -
کرده اند و با هوا و تیرنگ و اندکی
افزایش حقوق آنها به اعتصاب معلمان
پایان بخشید .

لیکن معلمان آگاه و انقلابی کشور
دست از مبارزه بر علیه رژیم شاه پسر
نداشتند و در این راه چهره های
درخشان و قهرمانی از خود برجای
گذاشتند . معلمان مبارزی مانند
بهمنی ، عرفیه احمدی اسکویی و بهروز
دقانی و استاد نجف اللهی و دهها
معلم دیگر . . . همچنین معلمان
متعهد جامعه نقش بسزائی در گسترش
مبارزات سالهای قبل از قیام و قطع
قیام ایفا کردند . در شرایط نه

گرامی باد خاطره همه شهدای خلق

انداخته است و با تعرض گسترده نظامی خود قسمتهایی از مناطق آزاد شده را به اشغال در آورده است .
معلمان انقلابی بواسطه ارتباط با فرزندان خلق کرد که حلقه واسطه ای با زحمتکشان خلق کرد هستند قادرند که تودعه را به این امر آگاه کنید که اگر امروزه رژیم در جنگی ناپسند وایستد موفق به عقب راندن پرهیزگسسان از مناطقی شده است است



تعرض پیشمرگان انقلابی در شهرها و نقاط پخت چیه در این ناتوانیسی رژیم را در این امر اثبات میکنند و مبارزه مسلحانه در شکل دیگری جریان مییابد و وظیفه شماست که با متشکل شدن در کمیته های مخفی مقاومت در پیوند با زحمتکشان کرد مبارزه را در شهرها و روستاهای تحت اشغال رژیم گسترش دهید و نشان دهید که اگر مناطق آزاد شده به اشغال در می آید مبارزه در شهرها و روستاهای اشغال شده می چسبند

۱۲. لایحه پیشمرگان

دیکراتیکی که محصول تمام خلق مسود سلطان مبارز واسطه ارتباط با دیپلماتها دانش آموز در بردن آگاهی به میان توده ها و تداوم مبارزه نقش زیادی داشتند به همین سبب همراه با پایمال شدن دستاوردهای فهم توسط رژیم خصمنیسی مورد پیگرد و آزار قرار گرفتند .
معلمین مبارزی چون گرجی بیانی ها و امید یان ها و ... و هزاران معلم دیگر در جوخه های اعدام جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و با خون غریختان حماسه خانگی ها و صدها را در یاد ها زنده نگاه داشتند .

ما سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاخه کردستان ضمن گرامی داشت این روز و یاد تمامی معلمان شهید و پیروز معلمین کردی که در سنگر مبارزه عادلانه و برحق خلق کرد به شهادت رسیدند .
روز معلم را به تمامی معلمین سرزمین ایران تبریک می گوئیم .

معلمین انقلابی کردستان :
در شرایط کنونی که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین نیرو و امکانش را در سرکوب مبارزه عادلانه خلق کرد به کار

جنبش مسلحانه خلق کرد چه در عراق و چه در ایران گسیل داشته و پیرامان به با رژیمهای سرکوبگر منطقه از جمله رژیم جمهوری اسلامی ایران هدست گشت است. قیاده وقت همراه حزب شیوعی بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران به حمایت از آن پرداخته و قیاده وقت در اکثر دگرها کردستان ایران همراه با نیروهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در سرکوب مردم زحمتکش کردستان ایران شرکت داشته است. و هنوز هم به مثابه یکی از نیروهای رژیم و عامل امپریالیسم در کردستان ایران عمل می نماید. قیاده در این اواخر همراه حزب شیوعی و پاسوک پیرامان مشغول اجرای توطئه امپریالیستی دیگری در منطقه بود مانند که غرضبختانه از طرف اتحادیه میهنی خنثی شده است با حسن پشتیبانی از حرکت قاطعانه و انقلابی اتحادیه میهنی کردستان عراق برای آنان آزادی موقوفتهای هر چه بیشتر را می نمایند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاخه کردستان

از حرکت قاطعانه اتحادیه میهنی کردستان عراق علیه نیروهای توطئه گریستی آن قسمت رزمنه! بر طبق اخبار رسیده چندین پیش اتحادیه میهنی کردستان عراق طوسی ملیاتی منظم و سازماندهی شده قیاده وقت و حزب شیوعی عراق و پاسوک و را خلق سلاح نموده است.

جریانات نامبرده از مدتتها پیش مشغول توطئه گری بر علیه جنبش انقلابی عراق و خصوصاً جنبش مسلحانه خلق کرد عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق بودند. اتحادیه میهنی در این رابطه بارها به این جریانات هشدار داده و از آنان خواسته که دست از توطئه گسری بر علیه اتحادیه میهنی بردارند. اما هشدارهای اتحادیه میهنی فایده ای نداشته و جریانات مذکور باز به حرکت خائنانه خود ادامه دادند که به ناچار اتحادیه میهنی تصمیم به خلق سلاح آنان می گیرد و آنها علی می نماید. پسون شك ماهیت جریاناتی را قیاده وقت ... برای توده های زحمتکش کردستان و منطقه روشن است. قیاده وقت مثابه چماق دست امپریالیسم در منطقه بارها و بارها نیروهایش را برای سرکوب

آری و خسرو روزه با افتخار شهید
شد و کیانوری ها با تنگه فرار کردند .
اگر چه در این میان رهبران خائن
حزب توده تلاش ورزیدند با خیانتشان
جنش کونیستی ایران را بی اعتبار
سازند اما همانطور که دیدیم جنش
نوین کونیستی ایران با طرد
امپریونیستهای خائن توده های در سال
۱۳۴۹ تولد یافت و در دل کارگران
و زحمتکشان میهنان ریشه گرفت .
امروزه می بینیم که چگونه حزب توده
پرسید و به زواله ان تاریخ سپرده
شد . اما در شرایط شهادت رفیق
خسرو را گرامی بیداریم که بار دیگر
رهبران خائن حزب توده با آنهمه
خیانت و تنگ در صفحه تلویزیون آشکار
میشوند و بسم الله گیان نوکری خود را
به رژیم در مقابل توده ها به نمایش
هنگارند . اینان ملعینای دردست
رژیم برای بی اعتبار کردن کونیستهای
میشوند و اعتزای میکنند که کونیسم در
ایران شکست خورده است . زهسی
خیال باطل این کونیسم نیست که
مرد این کیانوری ها بودند که مُردند .
با خون سرخ خسرو روزه و همه
کونیستهای صادقی که با خونشان

شهادت فرزند دلاور داشت
خسرو روزه را گرامی
دیداریم
در سحرگاه ۱۳۳۲ اردیبهشت سال
۱۳۳۲ فراد های زنده باد کونیسم
با صدای گلوله در هم آمیخت و پیکر
استوار کونیست مبارز و رفیق خسرو
روزبه قرق در خون شد .
و در شرایطی که رهبران خائن حزب
توده لکه تنگ را بر پیشانی شان حک
کردند رفیق خسرو روزه با عزت استوار
به راهی پرولتاریا حماسه آفرید و
قهرمانانه به شهادت رسید . در سال
هایی که رژیم آریامهری بعد از کودتای
تنگین ۲۸ مردادش و سرکوب جنش
ضد امپریالیستی دمکراتیک توده ها هر
تدای حق طلبانهای را در گلو خفه
میساخت و با تعلیم نمودن رهبران
خائن حزب توده سعی در بی اعتبار
کردن کونیسم می نمود رفیق خسرو روزه
با دماغیاتش تنگ و نفرت خود را نسبت
به آنان اعلام داشت و ضمن دفاع
قهرمانانه از عقایدش می گوید :
" من سنگر مبارزه را ترك نکردم و
اکنون نیز تمام عواقب آن را با روی
گشاده تحمل میکنم "

برخی از رویدادهای اردیبهشت ماه !

۱۰ - اردیبهشت به روزی خلق ویتنام سقوط سايگون ۱۹۷۵

۱۱ - اردیبهشت به روز جهانی کارگر

۱۲ - اردیبهشت به سادات دکتر خاتعلی (روز معلم) ۱۳۴۰ و شریفزاده و یارانش ۱۳۴۷

۱۳ - اردیبهشت به آغاز جنبش ماه ۱۹۲۸ در فرانسه

۱۵ - اردیبهشت به تولد مارکس ۱۸۱۸

۱۷ - نبرد دین بین قو ۵۴

۲۱ - شهادت مسوروزی

۲۹ - تولد رفیق عوفی و شهادت یابی ساندز

شهادت فرزندان دلا و رخلق

از صفحه ۱۸

جوخه ها و دیوارهای زند انهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی را رنگین ساختند و از آلمان شان دفاع کردند گرامی می دیم و بار دیگر سوگند می کشیم که تا رسیدن به سوسیالیسم و رهائی بولتاریا دهی از پای ننشیم و هواره یا مرتدین و جنایت بیگان مبارزه خواهیم کرد

۱ ۶ ۴ ۶ ۱۸ ۲۰ ۲۳ ۲۵

و ۲۸ اردیبهشت : سالروز مقاومت

دانشجویان و شهادت فدائیان خلق

شیرین فضیلت کلام ۱۳۵۳ هادی فرجار

پزشک ۱۳۵۵ : فریدون جعفری ۱۳۵۴

نفسرین پنجه شامی ۱۳۵۶ - مرضیه

احمدی اسکوفی ۱۳۵۳ - خلیل سلیمان

نژاد ۱۳۵۰ مغلامی و میرزایی -

دانشجویان تبریز ۱۳۵۶ - محمدرضا

شازی ۱۳۵۴ - کاظم سعادت ۱۳۵۰

لادن آل آقا، مهوش حاتمی و محمد رضا

و احمد رضا قنبریز و فرزاد زارگسر

شرکت نیروی ، ارزنگو ناصر شایگان -

آبیبی و فرهاد صدیقی یا شاکتی و قرباتعلی

زرکاری و جهانگیر باقرپور ۱۳۵۵ -

بهروز ارغمانی ، سیمین عابدی ، زهره

مدرسه شانه چی ، حسین فاطمی و میترا

بلبل صفت ۱۳۵۵

۲ - اردیبهشت - تولد و ۱۰ لنین

۲ - " اعتصاب کارگران نفت جنوب

و اعلام حکومت نظامی ۱۳۳۰

۸ - اردیبهشت کشتار کارگران جهان

چیت ۱۳۵۰

انقلاب و دیکتاتوریکه نواده ای ایران و مساله ماشین دولتی

مسئله برخورد به دستگاه بروکراسی
نظامی و را انقلاب و دیکتاتوریکه ایران یکی
از مسائلی است که میتوان گفت تا
حدود زیادی معیار تشخیص و میزان
دفاع جریانات سیاسی از دیکراسی در
عمل میباشد یعنی اینکه انقلاب
دیکراتوریک ایران برای تحکیم و تقویت
دیکراسی چه اقداماتی باید انجام دهد
بدون شک در ارتباط مستقیم با شیوه
برخورد به ماشین دولتی موجود قرار
دارد - انقلاب دیکراتوریک ایران باید
ماشین دولتی را خرد کرده و در هیچ
شکله یا اینکه باید آنرا حفظ نموده و
بازسازی کند ؟ از سئوالات اساسی است
که در این رابطه باید به بررسی آن -
پرداخت و مواقع جریانات سیاسی را
در برخورد به این سؤال مورد ارزیابی
قرار داد - برای جوابگویی به این
سؤال قبل از هر چیز لازم است بحث را
به بررسی نقش دستگاه نظامی (ارتش)
در ماشین (پلیس) و در سرکوب انقلاب و
توده ها بپردازیم

اساساً وجود دستگاه نظامی و
جامعه از آن زمان ضرورتی یابد که
جامعه به طبقات متخاصم تقسیم میشود
طبقه استثمارگر و طبقه استثمارشونده
و دولت به عنوان محصول آشتی ناپذیری
تعداد های طبقات یا به عرصه تاریخی
می گذارد - هر دولتی دیکتاتور
طبقه ای بر طبقه ای دیگر است - دولت
استثمارگران بر دیکتاتوری طبقه
استثمارگر بر طبقه استثمارشونده
میباشد - دولت طبقات استثمارگر برای
احمال دیکتاتوری خود بر توده ها یعنی
طبقه استثمارشونده - احتیاج به
ابزارهای خاص اعمال دیکتاتوری خود
میباشد - این ابزارهای اعمال دیکتاتوری
طبقه حاکم در جامعه در طول تاریخ
عبارت بوده اند از ارتش، پلیس، زندان
که بنابر وظایف و سببش که بر انسان
حاکم است با جامعه خود بیگانه شده
و مافوق آن قرار میگیرند - نقش ارتش
در یک جامعه سرمایه داری جدا از -
سرکوب توده ها و اعمال دیکتاتوری بر

کردستان کردستان پاینده یاد عزمت پیروز باد رزم

انقلاب و تحولات ایران

انسان در میان جامعه عبارتست از
ابزاری برای کشورگشاییهای سرلایحه
برای چپاول و غارت مردم مالک دیگر
این است نقش واقعی که ارتش و پلیس
در طول تاریخ بر عهده داشته اند
حال بد نیست نگاهی به نقش ارتش
ضد خلق ایران در رژیم گذشته و
جمهوری اسلامی ایران بیاندازیم آنچه
که بر میگان روشن است ابزار واقعی
توده ها در زمان شاه ارتش و ژاندارمری
شهربانی بوده است، سرکوب مبارزات
قهرمانان کارگران و زحمتکشان ایران
ملیت های تحت تسلط آن از سال های پیش
را همه بر آن آگاهند، سرکوب و به قتل
و خون کشیدن توده ها به هنگام شعله
کشیدن انقلاب در سال های ۵۶-۵۷
را نیز همه به یاد دارند، قیام ۲۲ بهمن
ضربات مرگباری بر سیستم ارتش وارد آورد
اما آنرا نابود نکرد، توده ها به یادگان
ها و... حمله کردند اما نتوانستند
آنها بکلی خلع سلاح نمایند رژیم
جمهوری اسلامی عزیز از دشمن ارگانهای
خاص سرکوب خود دست به بازسازی
ارتش زد و آنرا تبدیل به یکی از ابزارها

در اعمال و رفتارهای خود از همان
هنگام به روشی که در میان هر کس
ارتش خدمت گذاری خود را به جمهوری
اسلامی ثابت کرد، در یک کلام ارتش
به خدمت مقاصد رژیم ضد خلق جمهوری
اسلامی درآمده است، اما در برخورد
به این دستگاه نظامی جریان سیاسی
مختلف دارای مواضع واحدی نیستند
سازمان ما بعنوان سازمانیکه فاطمانه
به دفاع از دiktاری بر خاسته است در
برنامه عمل خود در هم شکستن
ما فین دولتی و انحلال کلیه ارگانها
نهاد های نظامی و ابزار دیکتاتوری
حکومت استشاری قرار داده و بهای آن
تسلیم همگانی خلق ارگانهای اقتصاد
توده های را قرار داده است، تسلیم
ارگانها و نهاد های سرکوب رژیم جمهوری
اسلامی، ارتش، سپاه پاسداران
کمیته ها، بسیج، شهربانی، ژاندارمری
بفصل خواهد شد و از طریق تسلیح
همگانی خلق و شورا های مبارزان و
پرسنل انقلابی ارتش یک ارتش توده ای
ایجاد خواهد شد، برنامه عمل
سازمان
اما جریانی مثل مجاهدین در
اتلاف با لیبرالها در برنامه شان

نقدی بر دکترین ارتش

(برنامه شورای ملی مقاومت) بعد دفاع از ماشین دولتی برخاسته اند و آشکارا از ارتش ضد خلقی امپریالیستی ایران دفاع می نمایند . بجای انحلال ارتش ضد خلقی از " تجدید سازمان مردمی " آن حرف میزنند و آنرا نیز برای " بقا " کشور و تکامل انقلاب " از ضروریات میدانند . وقتی کار بجایی میرسد که ارتش مؤانده امری و شهرانی را به عنوان دستگاههای سرکوب در رژیم جمهوری اسلامی معرفی می نمایند و " خلق آب تطهیر بو آن میزنند " " خلق سلاح و انحلال کلیه نهاد های ارتجاعی و دستگاههای سرکوب و جاسوسی و تفتیش عقاید ، سانسور رژیم عینی اسم از باصطلاح دادگاهها و دادسراهای انقلاب اسلامی ، محاکم شرع ، دوامبر سیاسی - ایدئولوژیک ، کمیته ها پاسداران ، انجمنهای باصلاح اسلامی بسیج ضد مردمی ، شورای انقلاب فرهنگی ، جهاد دانشگاهی ، امور تربیتی و نهاد های سرکوبگر ضد دوقانی و ضد کارگری " سند شماره ۲ وظایف مبرم دولت موقت در اینجا کاملاً

واضح است . شورای ملی مقاومت ارتش زائد امری و شهرانی " را به عنوان نهاد های سرکوبگر و ارتجاعی نمیباشد چرا که در این جهت دور و درازه که همه نهاد های ضد انقلابی بر سرده اند نهائی از ارتش و ... نیست . نکند که به یک پاره عقی بدون تجدید سازمان مردمی " شان نیز خود بخود " مردمی " شده باشند . براساسی این موضع دفاع آشکار از ارتش امپریالیستی ایران نیست ؟ حال خواننده بایستد برایش روشن شده باشد که در دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی وظیفه پاسداری از ضایع توده های و محاکمش دفاع از دستاوردهای انقلاب ، تحکیم دموکراسی را ارتش عهده دار میباشد . جالب این است که حزب دموکرات کردستان ایران نیز به عنوان یکی از نیروهای - شورای ملی مقاومت قزیر این برنامه سند ها را اظهار می نماید . حزب دموکرات که خود با گوشت و پوست نقش واقعی ارتش در کردستان را لمس کرده و می بیند . البته این مسئله برای خود حزب دموکرات نیز جای تعجب است . ما در این سوخته تناقضی را که حزب به آن دچار شده شکافیم و

انتخاب و تمرکز...

حزب دمکرات کردستان از یک طرف به عنوان "یکی از دو ستون اصلی" شوراهای زیر پرچم شورای ملی مقاومت و اسناد مربوط به شورا را امضاء نموده و به دفاع از شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین برخاسته است. از طرف دیگر خود در جنگی بین امانها ارتش پاسدار و جاش درگیر است. که اتفاقاً ارتش نقش اساسی را در این درگیریها ایفا مینماید. اینجا دیگر حزب نمیتوانست برنامہ و مواضع خود را راجع به ارتش را در عمل به اجرا درآورد. بلکه وظیفه دفاع از کردستان بعنوان سنگر محکم دفاع از آزادی وی را ناچاراً نباید که بیش از پیش قربانیات خود را بر دیگر ارتش وارد نماید. و ناچاراً تناقض را برای خود بدین فیوه حل مینماید. امروز دیگر نه تنها در کردستان بلکه باید در سراسر ایران به ارتش اعلان جنگ داد. هم اکنون ارتش به چماق بزرگ و موثر خمیتی تبدیل گردیده و در خدمت انجام مقاصد یلید و قرار گرفته است.

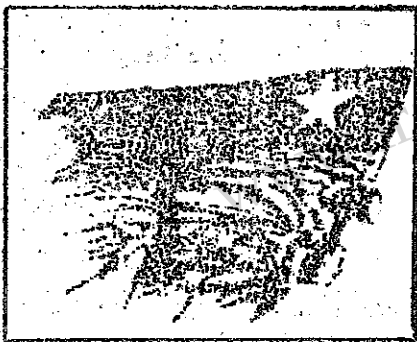
و یا در هاتفا مینویسد "در حالیکه در کردستان همه امکانات جنگی ارتش علیه مردم کردستان به کار گرفته شده و حزب دمکرات کردستان ایران یکی از دو ستون اصلی "شورا" مورد پیورش میخانه ارتش قرار گرفته است و در حالی که پیشرگان کردستان در یک جنگ نابرابر در مقابل حملات ارتش مهرمانانه ایستادگی میکنند بسیار غیر منطقی می ماند که در بخشهای دیگر ایران و در میان رزمندگان سازمان مجاهدین خلق ستون دیگر اصلی شورا ارتش صلح و صفای کامل برقرار یابد."

(نشریه کردستان شماره ۸۸)

اما در این موضع اشکال کار کجاست؟ اشکال در این است که حزب دمکرات رابطه سازمان مجاهدین با ارتش را غیر منطقی ارزیابی مینماید. در هورتیکه رابطه مجاهدین با ارتش دقیقاً ناشی از بینش و وضعیت ک شورای ملی مقاومت در رابطه با ارتش اشتاد نموده است. ناشی از موضعی است که امروزه به دفاع از ماشین دولتی

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

شماره ۸۸ گام به جلو ارزیابی می شود. اما آنگاه این گام به صورت گام قطعی به جلو در خواهد آمد که حزب دمکرات علیه برنامه رفرومیستی "شورا" بر خیزد و با پذیرش یک برنامه انقلابی و در هم شکستن ماشین دولتی و جایگزینی آن با ارگانهای اقتصادی و تولیدی و تسلیح همگانی خلق را در سر لوحه مواضع خود قرار دهد.



در صفحه آخر

توضیح و توضیح

پیگیر بدون رهبری پرولتاریا کمتر امکان پذیر میباشد که به این صورت توضیح میشود. واضح است که در عصر امپریالیسم و در یک جامعه سرمایه داری خود جمهوری دمکراتیک پیگیر بدون رهبری پرولتاریا امکان پذیر نیست.

منظاب دمکراتیک

برخاسته است. حزب دمکرات با پیگیری ملت صلح و صفای میان ارتش و مجاهد را بررسی نماید و نه اینکه قطعه معلول یعنی صلح و صفا به چسبد. حزب دمکرات باید حساب خود را با این موضوع روشن نماید. حزب دمکرات اگر حقیقتاً به دمکراسی پایدار بپايد اگر به شعار دمکراسی که اساسی شمارهای خود قرار داده اعتقاد دارد امروز باید برای توده های میهمان روشن نماید. مگر میشود از دمکراسی دفاع نمود بدون اینکه نابود کردن ماشین دولتی را در برنامه خود قرار داد؟ دمکراسی واقعی بدین معناست به جای دستگاه بوروکراتیک موجود باید ارگانهای اقتدار توده های همانند شوراهای را بر پا نمود. به جای استفاده نظامی موجود ارتش و ژاندارمری شهریاری سپاه پاسداران کمیته ها، بسیج و ... تسلیح همگانی خلق و ارتش توده های را ایجاد کرد بدون اینها از دمکرات بودن و دمکراسی نمیتوان هیچ گونه حرفی زد. بدون شک موضع گیری کرد مستلزم

به یادی

کاک سمایلی شه ریف زاده

۱۵ سال له سه به رله روزی ۱۲ ایانه
مه رله شه ریگی نا به را به ر دایینه
له نیوان به کزی گهراوانی ریگه
که ند ملی به هله وی و روله شور شگیره
کانی خه لکی قاره کانی کورد روشییری
شور شگیر کاک سالیان شه ریف زاده هوجمن
کمر له هاورانی به دس جه لاوانسی
به کوی گهراو شه هید کران

کاک سمایلی شه ریف زاده و
نافیک له هاورانی له سالاتی ردا ی
رفوروی شه رزی شاء به لیکولینه وه به ک
که له سه روه زیکه تی کورد ستان کورد یوویا
ته نیا ریگای خه بات دزی ریگی به
به هلموی که ده تیوانی د ریژه هه بی
و له له تجامیدا ده توانی هاو کاری
و پشتیوانی خه لکی کورد ستان بو لای
خزی را بکیشی به خه بانی چه کد اران
پان د بزان هه رله سه رله م وی و شجینه
بوو که ده میان راهه چپک و به بد ریگ
و پیک کورد تی ریژی شور شگیری خسوسان

خه بانی چه کد اران هان د سیدی کورد
خه بانی که به ثاوی خه بانی چه کد اران
۱۷-۱۶ نا سراوه

به لام به راخه وه به هوی هینندی
گهرو رفتی و که م و کوری که لیره جسی
پاسی نیه هه بانی چه کد اران ۱۷
۱۶ نه تیوانی د ریژه ی هه بی و برهسی
شاو نو که ره کانی توانیان به رکوتسی
پکه ن

شه ری هه پاسی دایینه شه کسه
کاک سمایل و چه ن که من له هاورانی
له و شه ره دا شه هید کران به لیک
له دینه رانه به که شور شگیرانی سالاتی
۱۷-۱۶ بو پیش برانی ری و شو پیشیک
ک خوبان هه لیان هزاره بوو ده پسان
خولقاند و نا ناخین لیک و رواد لکی
خه بختیان له سه رله دینبازه سوزور
و له دری به شیرا دری سوزیان به گهر می
له باوش گوشت
پیشتر یی بریره زی قاره مانه ش کساک
سمایلی شه ریف زاده و هاورانی

نابود باد امپریالسم جهانی سکر کردگی امپریالسم آمریکا و پانگاه داخیش

کارل مارکس

از صفحه ۲۸

سازمانده مبارزه انقلابی بین المللی طبقه کارگر بود . فعالیت های انقلابی مارکس از آلمان آغاز شد وی در جنبش انقلابی آلمان در سال ۱۸۴۸-۱۸۴۹ پیروز در آلمان و در مبارزه طبقاتی فرانسه پیروزانه شرکت کرد و فعالیت به مبارزه در راه شکل گیری جنبش بین المللی طبقه کارگر پرداخت . شرکت مارکس و رفیقش همزمران انگلس در اتحادیه کمونیست ها و تدوین مانیفست کمونیست از اساسی ترین گام های بود که در جنبش بین المللی کمونیست برداشته شد . اصول اساسی جهان بینی پراولتری برنامه و تاکتیک های کمونیستی برای احیاء جامعه طبقاتی در مانیفست حزب کمونیست گنجانده شده است . صحت و حقایق نظریات و آموزش های دوران ساز مارکس با گذشت زمان از اعتباری هر چه بیشتر برخوردار میشود . اثبات نظرات مارکس و پیروان راستینش که نوید بخش رهایی بشریت از سلطه ستم و استثمار است کینسسه استثمارگران و وابستگان آنان را در هر گوشه عالم بر می انگیزد . در این رابطه

است که حق و کینتونی نسبت به مارکسیسم چهارماد و عداوت با تمامیل و ترفی اجتماعی محسوب میشود . از دیگر سوری برخی از دشمنان مارکسیسم "بهااس مارکسیست" درآمده و می گویند تا با قلب و تصدیق نظرات مارکس ایستاد و پیرای بر جسته بشریت غافلگوار از جوهر انقلابی آن تپش سازند و انقلاب پراولتری و هژمونی پراولتاریا را قیام کنند آن حزب خود و اکثریت خافین را در بر میگیرد . این خائنین به طبقه کارگر خود را به لباس مارکسیست ها در آورده و سازش طبقاتی و رفرمیسم را تبلیغ میکنند . اما با همه دشمنیها جوهر خلاق آموزش های مارکس بوسیله پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر در میان کارگران و ذهنشکات جامعه تبلیغ و ترویج میشود و جامعه در مسیری پیش برود که مارکس طرح آن را پیش بینی کرده است .

با اندک تاملی وادی شود ، سازمان پرولتاریا

فدائی خلق ایران

راه را از انقلابی های زمانه



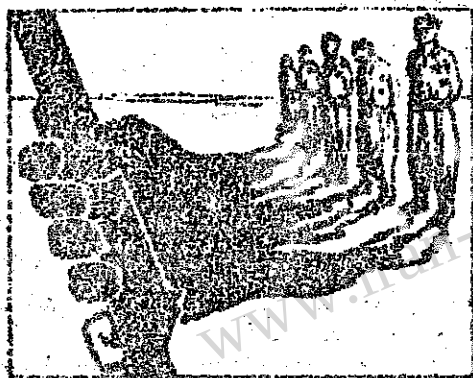
۱.۱. لنین

در صفحه آخر

انقلاب پرولتری برخاسته است. او تئوری انقلابی مارکسیسم را در سه جزء آن فلسفه اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم علمی در عصر امپریالیسم عصر انقلابات پرولتری عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم تکامل بخشید و بطور خلاصه ای مارکسیسم را در شرایط جدید بکار گرفت. به همین طاعت لنینیسم جزو لاینفک مارکسیسم گردید. منحوی گشت امور مارکسیسم از لنینیسم جدا نمی شود. آنچه که در تئوریا و پراتیکا لنین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا که بر جوهر انقلابی مارکسیسم و مبارزه علیه انحرافات از مارکسیسم است.

لنین لوتای از سرسختی و اصول و همکاری و مبارزه با انحرافات بود. او پیوسته علیه اپورتونیسم راست و چپ مبارزه کرد. جنبش طبقه کارگر سرسختانه مبارزه میکرد و بهرسمانه نظرات کسانی را که نقش هرزبویک و رهبری کننده طبقه کارگر را در عمل انکار میکردند کسانی که در عمل

دیکتاتوری پرولتا را واقعی نمودند و ضرورت انقلاب قهرآمیز و در شکستن قهری مائین دولت بورژوازی را منکر میشدند بدون گذشت انشااوی اعتبار کرد. با گرامسک داشت یکسان و سیزدهمین سالگرد تولد لنین در مبارزه علیه اپورتونیسم از لنینیسم دفاع کنیم در راه تبلیغ و ترویج لنینیسم بکوشیم.



سرمقاله

طبقه کارگر ضربه وارد آوردن به امپریالیسم و انقلابی اعتبار کردن کمونیسم ندارند از اینرو باید با انگ شته خود قطع رابطه کنند و به صف انقلاب پیوندند. این تنها راه نجات آنها از منجلابی است که در بدای گرفتار شده اند.



سالروز تولد آموزگاران

کمیسر پرولتاریا گرامی باد

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

کارل مارکس

در ۵ ماهه سال ۱۸۱۸ در شهر تروز در ایالت راین آلمان متولد شد. پس از تحصیل فلسفه و تاریخ در دانشگاه های بن، برلن و پنا و اخذ مدرک دکترا در سال ۱۸۴۱ همه اندیشه و نیروی خود را به فعالیت های سیاسی و سازماندهی جنبش بین المللی طبقه کارگر و در هم شکستن نظام طبقاتی معطوف کرد. او در سراسر زندگی مبارزاتی خود نه تنها يك تئوریسین برجسته بلکه در صفحه ۲۶

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

نوم آردیه بیست و هفتم صادقی است با یکصد و بیست و هفت سالگرد ولادت پر ایوانس. او ایالت لنین آموزگار کیر و رهبر پرولتاریا دادا و دهنده و تکامل بخش مارکسیسم و بنیانگذار سازمانده و رهبر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی. لنین که در سال ۱۸۷۰ متولد شد از همان نخستین سنین جوانی خود به مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر در راه در صفحه ۲۷

نقد و تصحیح: در دینکای گیل شماره ۵ (مقاله مارکسیسم و مسئله ملی) صفحه ۱۸ آمده است "واضح است که در شرایط امپریالیسم و در يك جامعه سرمایه داری خود جمهوری دیکتاتوریک در صفحه ۲۲



کتاب ۱۶۶ منتشر شد

برنامه عمل
سازمان چریک های
خدایی خلق ایران را
بخواهید!